

چکیده ها

مفاهیم وحدت بین المللی و عمومیت در تعلیم و تربیت در خطابات حضرت عبدالبهاء

ایرج ایمن

برخی از بیانات حضرت عبدالبهاء در خطاباتی که طی مسافرت هایشان در اروپا و امریکا ایراد فرمودند به اصول راهنمایی کننده ای در تعلیم و تربیت مربوط می شود. با توجه به این نکته که هدف کلی و محوری بیاناتی که در مجامع و محافل گوناگون ایراد فرمودند ویا در پاسخ به پرسش های خبرنگاران اظهار داشتند ترویج صلح و یگانگی و جلوگیری از بروز جنگ و جدال بود، مطالبی هم که در زمینه آموزش و پرورش بیان فرمودند معطوف و مربوط به استقرار صلحی پایدار و مدنیت ساز است. حضرت عبدالبهاء دیدگاهی وسیع و جامع در مسائل و مساعی تعلیم و تربیتی ارائه داده اند که بی سابقه و در بسیاری موارد در جهت مخالف جریان فکری و تعلیماتی آن زمان بود. از آنجا که تفکر و رفتار افراد متأثر و محصول کیفیت و میزان آموزش های رسمی و غیر رسمی و غیرمستقیم است حصول وحدت و یگانگی و صلح عمومی پایدار از جمله نیازمند ایجاد وحدت و تساوی فرصت در تعلیم و تربیت برای همگان و در همه کشورهاست. یکی از این اصول راهنمایی کننده در برنامه ریزی و تهیه و تنظیم مواد درسی در آموزش و پرورش رعایت اصل وحدت در تعلیم و تربیت است که حضرت عبدالبهاء در ابتدای قرن بیستم و پیش از وقوع دو جنگ جهانی و نا بسامانی های متعاقب آن که هنوز دامنگیر جامعه بشری است در سخنرانیهای خود مورد توصیه و تأکید قرار داده اند. هماهنگی برنامه ها و مواد درسی در همه کشورها بخصوص دروسی که در تشکل فکری و اعتقادی افراد تأثیر گذارند مانع بروز تعصب جاهلانه و عقاید و افکار خصومت جوئی بین اهالی کشورها و اقوام و ملت ها می گردد. علاوه بر این تساوی فرصت های آموزشی در سطح جهانی مانع از بروز اختلافات و دشمنی هائی می شود که ناشی از احساس محرومیت و عدم دسترسی به امکانات تحصیلی به وجود میاید. حضرت عبدالبهاء در خطابه ای که در اول سپتامبر ۱۹۱۲ در مونترال ایراد نمودند متذکر شده اند که " جمیع عالم باید تحصیل معارف کنند تا سوء تفاهم از میان بر خیزد و جمیع بشر متحد شوند". ودرسخنانی که در هشتم جون ۱۹۱۲ در فیلادلفیا ایراد نمودند می فرمایند: "...وحدت اصول و قوانین تربیت نیز از الزم امور تا جمیع بشر تربیت واحده گردند یعنی تعلیم و تربیت در جمیع مدارس عالم باید یکسان باشد. اصول و آداب یک اصول و آداب گردد تا این سبب شود که وحدت عالم بشر از صغر سن در قلوب جای گیرد." ودر جای دیگر تأکید نموده اند که " حضرت بهاء الله وحدت تربیت را اعلان نموده که به جهت اتحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند رجالاً و نساءً دختر و پسر تربیت واحدگردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد ارتباط تام بین بشر حاصل شود...بنیان جنگ و جدال بر افتد و بدون تحقق این مسائل ممکن نیست زیرا اختلاف تربیت مورث جنگ و نزاع... " است.

نظری بر نخستین خطابه ای که حضرت عبدالبهاء در امریکا ایراد فرمودند

فریس بدیعی

حضرت عبدالبهاء در نخستین روزهای ورود به امریکا خطابه‌های در کلیسای آسنسیون در نیویورک ایراد فرمودند که اولین سخنرانی عمومی ایشان در امریکا محسوب می‌شود. این خطابه همچنین نخستین گفتاریست که ایشان در امریکا در عبادتگاه مسیحی برای اجتماعی از مسیحیان ایراد فرموده‌اند و با شواهدی از کتاب عهد جدید و از تعالیم حضرت مسیح آغاز می‌شود و با اعلان اصول عمده پیام حضرت بهاء الله پایان می‌پذیرد. در این مبحث علاوه بر نظری به مضامین مندرج در این خطابه اوضاع و شرایطی که سبب ایراد این خطابه گردید و پیشامدهائی که در پی داشت بررسی می‌شود.

روش زندگانی از دیدگاه حضرت عبدالبهاء

فریس بدیعی

این مبحث مشتمل بر ارائه جملات و قطعات کوتاهی است که از بیانات و آثار حضرت عبدالبهاء استخراج شده و روش زندگانی فردی و اجتماعی را از دیدگاه و بنا بر توصیه حضرت عبدالبهاء و بر اساس تعالیم بهائی جلوه گر می‌سازد. این قطعات و جملات کوتاه مانند حروف جداگانه الفباست که وقتی با نظم و ترتیب خاص با یکدیگر تلفیق می‌شوند کلمات و جملاتی را تشکیل می‌دهند و پیامی را بیان میکنند و دستورالعملی را برای حیات بهائی ارائه می‌دهند.

ملاحظات پیرامون مجموعه خاطرات روزنگار حضرت شوقی افندی

مهرداد بشیری

بررسی حاضر نگرشی است به مجموعه منحصر به فرد حدود دویست خاطره روزنگار که در فاصله ماه‌های فوریه تا نوامبر ۱۹۱۹ میلادی توسط حضرت شوقی افندی به زبان انگلیسی تحریر گردیده‌اند.

این مجموعه روزنامه خاطرات در مقطعی حساس از حیات حضرت شوقی افندی جوان یعنی زمانی که ایشان تحت توجه مستقیم حضرت عبدالبهاء و به عنوان منشی آن حضرت مشغول به خدمت بوده‌اند تنظیم گردیده است. محتویات این خاطرات منعکس کننده وجوه مختلف زندگی حضرت عبدالبهاء در ارض اقدس پس از خاتمه جنگ بین الملل اول است. حضرت شوقی افندی با ترجمه گفتار آن حضرت در جمع زائرین و ملاقات کنندگان، در کنار توصیفات سرشار از احساسات خالصانه از مقام، رفتار و منش هیکل مبارک خوانندگان این یادداشت‌ها را به تلذذ از تجربه روحانی زیارت ارض اقدس و حضور در محضر حضرت عبدالبهاء دعوت می‌کنند. تعداد انگشت شماری از این خاطرات روزنگار که در آرشیو محفل ملی بهائیان ایالات متحده ذخیره هستند در نسخات نشریه نجم باختر در سالهای دهه دوم قرن گذشته به چاپ رسیده و مابقی هرگز منتشر نگردیده‌اند.

هدف این بررسی معرفی است عمومی از این یادداشتها در کنار ارائه پیش زمینه تاریخی دوره ای که مندرجات این خاطرات آن را تحت الشعاع خویش قرار می دهد.

ملاحظات پیرامون سوابق تاریخی جامعه بهائیان بادکوبه

مهرداد بشیری

ناحیه قفقاز از لحاظ سوق الجیشی محل برخورد و تماس دو قاره اروپا و آسیا است. این منطقه از نقطه نظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی نیز در طول تاریخ محل تلاقی طیفهای مختلف مردمانی از مذاهب، اقوام و نژادهای متنوع بوده و موقعیت جغرافیائی و ساختار مذهبی و بافت قومی اهالی قفقاز عوامل مهمی در برقراری ارتباطی نزدیک با جوامع همجوار در کشور ایران بوده است. این ناحیه یکی از معدود نواحی مهمی بود که در خارج از ایران و از زمان حیات حضرت باب ندای ظهور جدید و نهضت روحانی آن حضرت دریافت شد. همچنین در برخی از آثار بهائی از این ناحیه بعنوان مکانی مخصوص یاد و تعبیر شده است.

نخستین جامعه بهائی که در این منطقه پای گرفت جامعه بهائیان بادکوبه بود که دارای سابقه درخشانی در میان جوامع بهائی عصر رسولی است. این شهر محل تردد بسیاری از زائران ایرانی ارض اقدس بود و به تناوب مورد بازدید بهائیان سر شناس و مبلغین سیار فرار می گرفت. شهر بادکوبه از جمله مهمترین مراکز قفقاز روسیه بود که در نیمه دوم قرن نوزدهم و دو دهه آغازین قرن بیستم در پی شکوفائی اقتصادی و تبلور فرهنگی و تحولات اجتماعی و در عین حال متأثر از فراز و فرود های انقلابات سیاسی منطقه از اهمیت روز افزونی در آن نواحی برخوردار گردید.

در این بررسی به سوابق تاریخی جامعه بهائیان بادکوبه و رویدادهای سالهای آغازین ظهور ادیان بابی و بهائی تا زمان صعود حضرت عبدالبهاء می پردازیم. ابتدا نظری کلی به وضعیت عمومی ناحیه قفقاز و خط مشی دولت تزاری روس در این ناحیه و بویژه در شهر بادکوبه می افکنیم و سپس اشاراتی به سابقه انتظار ظهور جدید و پیش بینی قیام منجی در آن نواحی می کنیم و نگرشی خواهیم داشت به وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بادکوبه و ترکیب جمعیت آن شهر در خلال سالهای مورد نظر در این بررسی. پس از آن خصوصیات جامعه بهائی بادکوبه و ورود و استقرار دیانت بهائی در آن شهر و حیات و شکوفائی و توسعه جامعه بهائی و سر انجام نگرشی به احوال برخی افراد فعال و صاحب نفوذ بهائی مطرح میگردد.

گر چه در سالهای اخیر به همت تعدادی پژوهشگران بهائی تحقیقات شایان توجهی در زمینه تاریخ ادیان بابی و بهائی در فلورو روسیه انجام گرفته و به زبان های فارسی و انگلیسی منتشر شده است معذالک بنظر میرسد که در این پژوهشها توجه چندانی به تاریخ جامعه بهائیان بادکوبه نشده است و غالباً معطوف و متمرکز بر جامعه بهائیان شهر عشق آباد می باشند. این بررسی کوششی

مقدماتی در مسیر پر کردن این خلاء تحقیقاتی و روزنه ایست به پژوهشهای مفصل و دامنه داری که امید است دانش پژوهان بهائی در زمینه سوابق تاریخی جوامع بهائی در منطقه قفقاز عهده دار شوند.

بررسی تطبیقی مفهوم ارزش از دیدگاههای اقتصادی و اجتماعی و روحانی

فرهاد ثابتان

این پژوهش ارتباط بین ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی، و روحانی (اخلاقی) را بررسی می‌کند. واژه «ارزش» حاوی مفهومی است که به آسانی از آن در هر سه عرصه استفاده می‌شود. اما، با اندکی تأمل در مصادیق استفاده آن، میتوان دریافت که آن واژه بر مفاهیم بسیار متفاوت و، چه بسا، متناقضی دلالت می‌کند. در این صورت، چرا یک واژه با چندین مفهوم ناهمخوان و ناسازگار مناسبت پیدا می‌کند؟ آیا میتوان واژه ارزش را در پرتو چهارچوب نوین و فراگیری قرار داد که استفاده آن را برای بیان مفهومی همبسته و پیوسته و یکتا توجیه کند؟ در این پژوهش، جوانب مختلف مفهوم ارزش در هر یک از عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، و روحانی (اخلاقی)، به عنوان قدم‌های اولیه برای درک بهتر آن مفهوم و پاسخ به سئوالات فوق بررسی می‌شود.

شعرای زن در اوایل دوره قاجار

دومینیک پرویز بروکشا

منابع اصلی پژوهش حاضر تذکره‌ها، دیوان‌ها و کتب تاریخی است که با حمایت دربار نوشته شده است. زنانی که اشعارشان در تذکره‌های اوایل قرن نوزدهم آمده است (به استثناء چند نفر) وابسته به دربار بوده‌اند. بسیاری از آنان دختران، نوادگان، زنان و یا عروسان دومین پادشاه قاجار یعنی فتح علی شاه بوده‌اند. با این وجود نام تعدادی از شعرای زن غیر درباری در این تذکره‌ها آمده است که به دلیل بالا بودن کیفیت کارشان و یا به واسطه شبکه‌ای از ارتباطات درباری و خانوادگی بوده است. کتب تاریخی مکمل آثار ادبی است چرا که حاوی اطلاعات بیشتری در مورد شعرای زن می‌باشد. با استفاده از اطلاعات موجود در این منابع، می‌توان تصویر کامل‌تری ترسیم کرد از زندگی فرهنگی زنان در دوره فتحعلی شاه. مطالعه دقیق و عمیق متون ادبی و تاریخی قرن نوزدهم پیش فرض‌های موجود مبنی بر عدم مشارکت زنان در اصلاحات ادبی اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم را زیر سوال می‌برد. با مطالعه متون سه دهه اول قرن نوزدهم کوشش کرده‌ام تصویری ترسیم کنم از محیط ادبی سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۰ که شعرای زن همچون طاهره قره‌العین شاعر و خطیب بابی در آن فعال بوده‌اند. تا به حال شعرای زن مانند طاهره غالباً به صورت منفرد و به عنوان موارد استثنایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا ایفاگران

نقشی گسترده در تاریخچه شعرای زن در ایران. در این پژوهش، کوشش می‌کنم تصویر واقع‌گرایانه‌تری ترسیم کنم از میراث ادبی بومی زنان شاعر در ایران.

بررسی منتخباتی از مفاهیم اصولی و مبادی اساسی، هماهنگ و مشترک در

کتاب بیان فارسی و کتاب مستطاب ایقان

حبیب ریاضتی

کتاب بیان فارسی در آثار حضرت بهاءالله بعنوان "ام الکتاب" آئین مقدس بابی معرفی گردیده است. کتاب مستطاب ایقان بمنزله منشور اعتقادات اصولی آئین بهائی و بفرموده حضرت ولی مقدس امرالله "مهمترین اثر حضرت بهاءالله من بعد کتاب اقدس" است.

از جمله مقاصد اصلی این مقاله بررسی اهم اصول اساسی و مفاهیم و مبادی کلی و مشترکی است که در این دو اثر جلیل از یراعه حضرت نقطه اولی و قلم جمال اقدس ابهی عزّ نزول یافته است. اگر چه هدف بررسی اصولی این دو سفر کریم است در ضمن به آثار دیگر نقطه بیان (صحیفه اصول و فروع، دلائل سبعه، کتاب اسماء و کتاب پنج شأن) و الواح قلم اعلی (جواهر الاسرار، هفت وادی، مدینه التوحید و سوره هیکل) که در آنها این مبادی، مفاهیم و مواضع تا حدودی مطرح گردیده اند نیز اشاره خواهد شد. به عبارت دیگر آثار نازله قبل از کتابهای "بیان" و "ایقان" را میتوان به عنوان "مقدمه ای" بر نزول این دو اثر دانست، همانطور که جمیع آثار عرفانی و اصولی که بعد از این دو منشور نارل شده را میتوان وسیله ای از برای درک، توجیه، توضیح و بسط مفاهیم و مواضع این دو صحیفه بنیادی و اصولی کور بهائی بشمار آورد. هماهنگی مفاهیم بین این دو اثر فی الحقیقه حقیقت "وحدت روحانی" بین حضرت نقطه اولی و جمال ابهی که در آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تصریح و تاکید گشته را به یقین مبین مشهود میسازد.

نیده ای از مفاهیم و مواضع مشترک دو اثر

مفاهیم مشترک بین کتاب بیان و کتاب ایقان بیش از آنست که بتوان در این در این مبحث مطرح ساخت، د و لکن برای آگاهی مقدماتی به ذکر نیده ای از این مفاهیم و منتخباتی از این مطالب مشترک اکتفاء می‌گردد.

۰) اعتقاد به غیب منیع لایدرک- خداوندی که مقدس و منزّه از جمیع شئون امکانی بوده و خواهد بود.

۱) عرفان حق به مفهوم عرفان مظاهر ظهور در هر ظهور بوده و خواهد بود.

۲) وحدت ظهورات الهیه.

۳) استمرار ظهورات الهیه و عدم انقطاع فیض صمدانی و بشارات به ظهورات بعد در هر ظهور.

۴) اصل "تکمیل" ظهورات "قبل" بواسطه ظهورات "بعد" و تجدید ظهورات.

۵) مقامات توحید و تحدید مظاهر ظهور.

۶) دلائل احتجاب نفوس از حقیقت و نقش علماء جاهل در این باره.

۷) اصل اصیل تحری حقیقت فردی و بدون واسطه.

۸) شرایط متحریان حقیقت و سالکین راه معرفت و اهمیت تذکر، تعقل، تنبه، تعمق و داشتن بصیرت.

۹) معانی بیانات متشابه کتب قبل و درک "لحن اقوال" مظاهر حقیقت.

۱۰) درک نقش، مقام و هدف دین علم و دین در رسیدن به حقیقت.

۱۱) اهمیت توجه به حجت باقیه در هر ظهور.

۱۲) تصریح حقانیت مظاهر ظهور قبل و صحف نازل از قبل ایشان.

۱۳) توضیح مفاهیم اصولی قیامت، خاتمیت، قائمیت، بابیت و مظهریت.

۱۴) اصول مبنی بر حفظ اصالت، شرف و عزت مقام انسان.

۱۵) معنی اصولی رجعت مظاهر مقدسه و حروف حی ایشان در هر ظهور.

۱۶) مفهوم بداء در عوالم حق، امر و خلق.

مفهوم توحید حقیقی در آثار مبارکه بهائی

حبیب ریاضتی

این گفتار جستجویی است در آثار مبارکه برای درک مفهوم توحید بدیع حقیقی در عوالم ثلاثه حق، امر و خلق و ارائه ارزش عملی توحید. توحید در عالم حق به مفهوم تنزیه و تقدیس غیب منبع لایدرک از جمیع شئون خلقی از قبیل صدور، حلول و عرفان میباشد. توحید در علم امر که عالیترین ثمر عرفان است اعتقاد به مشیت امکانی و عقل کلی و کلمه اولی و نقطه اولی و قلم اعلی است که مانند شمس واحدی در مرایای صافیة انبیای الهی و بر حسب اراده غیب منبع لایدرک تجلی نموده و خواهد نمود. و اگر چه شدت ظهور تجلیات شمس حقیقت در دوران های مختلف متناسب با بلوغ روحانی انسان است ولیکن تجلی مشیت واحد است و جمیع صفات عالییه ای که به حق نسبت داده میشود به عالم امر یا مشیت اولیه راجع است. این تجلی ادواری پیوسته استمرار داشته و خواهی داشت. توحید در عالم خلق به مفهوم وحدت در کثرت و ایجاد وحدت عالم انسانی است.

سهم بزرگ بهائیان در انقلاب مشروطه

حشمت شهریاری

فکر نمی‌کنم دوستان ایرانی ما آنطوریکه باید و شاید از سهم مهمی که بهائیان در برآمدن انقلاب مشروطه داشته‌اند با اطلاع باشند. و علت هم این بوده است که تا بحال ما بهائیان حق دفاع از خود و یا بیان خدمات خود به ایران و ایرانیان را نداشته‌ایم. اما مدت کوتاهی است که جو تازه‌ای بوجود آمده و ابرهای تیره و تاریک سوء تفاهات و بدگمانیها به کنار میروند و اجازه میدهند که ما اکنون ناگفته‌هایمان را بیان و با دوستان بهائی و غیر بهائی در میان بگذاریم. به همین دلیل اجازه می‌خواهم که در طی این برنامه، مختصراً به مسئله مهم سهم بهائیان در انقلاب مشروطه توجه کرده و با استناد به مدارک، به اهمیت این موضوع حیاتی بپردازم.

آنچه مسلم است بهائیان به هیچوجه، بطور مستقیم در انقلاب مشروطه دخالت نکردند. علت هم این بود که حضرت عبدالبهاء که در آنزمان هادی و راهنمای بهائیان بودند، به درستی تشخیص داده بودند که هرگونه دخالت عملی از طرف بهائیان در انقلاب مشروطه، آب به آسیاب ریختن آن بخش از روحانیت خواهد بود که با مشروطیت مخالف بودند. سعی این معممین بر این بود که مردم شیعه زده و دربار مستبد را از نفوذ بهائیان در این نهضت عظیم بترسانند. بنابراین می‌گفتند که مشروطه کار بهائیان است و مشروطه خواهان بهائی هستند.

اگر بهائیان به نفع مشروطه، آشکارا فعالیت می‌کردند، ارباب عمائم و ملایان موفق می‌شدند که مردم را بر علیه مشروطه و مشروطه خواهان برانگیزند. و بدین ترتیب، هم مشروطه ضرر میدید و هم مشروطه خواهان.

در ضمن این برنامه یک ساعته سعی خواهد شد نشان بدهیم که گرچه بهائیان بطور مستقیم در انقلاب مشروطه شرکت نکردند، اما در بوجود آمدن مشروطه سهم بزرگی داشتند.

گزارشی مصور از سفر حضرت عبدالبهاء به نیویورک در سال ۱۹۱۲

حسین عهدیه

حضرت عبدالبهاء فرزند ارشد و جانشین منصوص حضرت بهاءالله، بنیانگزار آئین بهائی، بمدت ۲۳۹ روز از ۱۱ اپریل تا ۵ دسامبر ۱۹۱۲ میلادی در امریکای شمالی بمسافرت پرداختند. در خلال این سفر مجموعاً ۸۵ روز را در شهر نیویورک اقامت داشتند. در این مقال به شرح نکات برجسته این سفر می پردازیم که از یادداشتها و خاطرات مکتوب نفوسی اقتباس شده است که از ملازمان رکاب مبارک در آن سفرها بودند. آن حضرت عنوان عبدالبهاء یعنی بنده بها و خادم و بنده عهد و میثاق پدر بزرگوارشان را برای خود اختیار فرمودند. ملازمان و احبا در امریکا ایشان را احتراماً "سرکار آقا" مینامیدند. رویدادی تاریخی در نوزدهم جون ۱۹۱۲ موجب شد که حضرت عبدالبهاء شهر نیویورک را «مدینه میثاق» بنامند.

در این مبحث کوشش می شود که احوال و رفتار هیکل مبارک با نمایش عکس ها و نقل خاطرات شاهدان عینی و مندرجات جراید و مجلات و خطابات مبارک ارائه شود و جریان روز نگار رویداد های ایام اقامت ایشان در شهر نیویورک مورد نظر قرار گیرد. اقامت هیکل مبارک در نیویورک طولانی ترین اقامت ایشان در یک شهر در سفرهایشان در مغرب زمین است و نشانه توجه مخصوصی است که نسبت به این مدینه میزبان داشته اند. حضرت عبدالبهاء نیویورک را در مقایسه با سایر بلاد امریکا دارای روش مدارا کننده تر از دیگر شهرهای آن سامان نسبت به تبعیض نژادی محسوب داشته اند و در آن شهر اقدام به ترتیب دادن اولین ازدواج رسمی بین سیاه و سفید نمودند. در نیویورک استقبال بی سابقه ای از هیکل مبارک به عمل آمد و از ایشان برای ایراد خطابه در معابد و انجمن ها و دانشگاه ها دعوت شد و بسیاری از افراد از بهائی و غیر بهائی مجذوب دانش و بینش ایشان شدند و در پی ایشان از مکانی به مکانی دیگر می رفتند.

ماخذ و منبع معتبر تهیه روز شمار ایام اقامت حضرت عبدالبهاء در شهر نیویورک کتاب بدایع الآثار جناب محمود زرقانی و دفتر خاطرات روزانه جولیت تامپسون است که در آن دوران در معیت هیکل مبارک حضور داشتند. جناب زرقانی در آن سفر کاتب و منشی هیکل مبارک بود. جولیت تامپسون از احبای نیویورک و هنرمند و نویسنده ای توانا بود و دفتر خاطراتش که در تاریخ ادیان بی سابقه است حاکی از مشاهدات شخصی و تجارب روحانی و انقلابات روحی وی است. که با قلمی شیوا صحنه های رویداد ها را به دقت ترسیم نموده است. بنحوی که ما میتوانیم حال و هوای آن موقعیت ها را دریابیم و خود را در حضور شخصی بباییم که حضرت بهاءالله ایشان را «سراالله الاعظم» نامیده اند.

پس از قیام جوانان ترک در سال ۱۹۰۸ که سبب آزادی حضرت عبدالبهاء و عائله مبارکه از حصر و زندان شد ایشان تصمیم گرفتند که برای انتشار پیام حضرت بهاءالله به مغرب زمین مسافرت نمایند. مدتی بود که احبای اروپا و امریکا چنین تقاضائی داشتند.

حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۱ برای نخستین بار سفری به اروپا رفته بودند و به رمله در نزدیکی اسکندریه در مصر بازگشته بودند و تا بهار ۱۹۱۲ در آن سامان اقامت داشتند. در ۲۵ مارچ آن سال با جمعی از همراهان با کشتی مسافرتی سدریک عازم سفر به امریکا شدند. احبای امریکا هزاران دلار تقدیم کرده بودند و استدعا کرده بودند که هیکل مبارک در عوض کشتی سدریک با کشتی تایتانیک سفر

کنند. اما ایشان وجوه مزبور را پس فرستادند و توصیه فرمودند صرف امور خیریه و عام المنفعه شود و با کشتی سدریک عازم سفر شدند.

همراهان هیکل مبارک در این سفر مخلوط بی سابقه ای بود از افراد شرقی و غربی. حضرت عبدالبهاء عباى کمرنگ و یا سیاه رنگی داشتند و گیسوانشان رابا مولوی سفید رنگی می پوشاندند. همراهان شرقی لباس اروپائی داشتند و فینه قرمز رنگ بر سر می گذاشتند. در بندر ناپل چند نفر از احباب امریکائی و یک خانم بهائی انگلیسی، میس لونیزا متیو، به جمع همراهان پیوستند. اجتماع این گروه در اطراف میز غذا توجه مسافران را جلب می نمود و چون بین عثمانی و ایتالیا جنگ شده بود دیدن این گروه ایجاد شبهه میکرد اما کاپیتان کشتی چندین بار تقاضا کرد که هیکل مبارک برای مسافران خطاباتى ایراد فرمایند در بین مسافرات کشتی قنسول های روسیه و ایتالیا هم حضور داشتند و معمولاً پس از هر خطابه با هیکل مبارک مذاکره می نمودند

شرحی بر اصطلاحات مندرج در یکی از الواح حضرت عبدالبهاء

علاء الدین قدس جوراچی

لوح مبارک مصدر به « هوالبهی » و با مطلع بیت مقطع قصیده «ساقی از غیب بقا» از آثار منظوم حضرت بهاءالله:

«درویش جهان سوخت از این نغمه جانسوز الهی وقت آنست کنی زنده از این ناله زاز»

به اعزاز میرزا محمد ملقب به عبدالبهاء از قالم معجز شیم حضرت عبدالبهاء صادر شده است.

حضرت عبدالبهاء در نیمه نخستین این لوح معانی و مفاهیم و تعابیر روحانی و باطنی برخی از الفاظ و اصطلاحات و تمثیلات مندرج در کتب مقدسه ادیان پیشین را که در عرف پیروان آن ادیان بیشتر جسمانی و ظاهری انگاشته و پنداشته شده است را با بیانی فصیح و بلیغ و تازه و نوین به رشته تحریر کشیده اند و همزمان چگونگی پیدایش شواهد و مصادیق آن را در ظهور حضرت بهاءالله به روشنی بیان فرموده اند. سپس در نیمه دوم لوح با گفتاری نغز و سیوا و شعر گونه اجباب را هشدار می دهند که با همه این احوال بفرموده آن حضرت «ما هنوز مخمود و افسرده در زاویه خمول خزیده ...» پس از آن آنان را تشویق و ترغیب می نمایند و دلگرمی و قوت قلب می دهند و از جمله می فرمایند «از جور زاغان گلخن جفا مترسیم و از چنگال تیز جغدان بی حیا نهراسیم چه اگر سینه درند مرهم فوز به ملکوت ابهی موجود...» و در پایان لوح حضرت عبدالبهاء این بیت از حکیم سنائی غزنوی عارف و شاعر نامدار قرن ششم هجری را مسک الختام بیان میسازند که می گوید

«اگر در عطا بخشد اینک صدفش دلها ور تیر بلا آید ، اینک هدفش جانها»

نقش اصول در دیانت بهایی - اصول و مد

فرجام مجد

آیا قوانین و ارزشهای اخلاقی نسبی هستند یا مطلق؟ آیا زیستن مطابق ارزشهای اخلاقی دیرینه کهنه پرستی و از مد افتادگی است؟ ادیان سلف چگونه مبتلا به تقالید تشریفاتی گشتند؟ آیا باید بیشتر محافظه کار یا پیشرو باشیم؟ و بطور کلی تر، چه را باور داریم؟ چرا آن را باور داریم؟ آیا باید اعتقادات ما در طول زمان تغییر کنند؟

برای بررسی با قاعده این گونه مسائل، مدلی انتزاعی، سلسله مراتبی، و درخت گونه از دنیای هستی ارائه می‌گردد، شامل دو ساختمان درخت گونه، که هر کدامشان متشکل هستند از گره ها و اضلاعی که چندین سطح تشکیلاتی را تعریف میکنند: درخت دستگاه (از اختصاصی به کلی) و درخت نوع (از کلی به اختصاصی). هر موجودی بطور اعم، یک شی، یک اصل، یک جریان کار، و مانند اینها میتواند بوسیله یک گره در یکی از سطوح این دو ساختمان درخت گونه نمودار گردد. این مدل سلسله مراتبی موجودات، در بطن خود بسیاری از روابط مهمی را که لزوم ذاتی ما بین این موجودات هستند به صرف موقعیتشان در این ساختمان های درخت گونه و به وضوح عیان میسازد. یکی از این روابط همزمانیست، بدین معنی که خصوصیات مربوط به هر سطحی از این درختان، چه درخت دستگاه و چه درخت نوع، در آن واحد و بدون تناقض بر قرار هستند؛ یک دیوار منحنی میتواند از آجرهای چهار گوش ساخته شود بدون ایجاد تناقض. رابطه مهم دیگری نسبت است که بیان میدارد که موجودات کلی تر (ریشه درخت نوع و برگهای درخت دستگاه) مطلق تر هستند و شق های معدود تری دارند، در حالی که موجودات مخصوص تر نسبی تر هستند و دارای شق های متعدد تری میباشند.

با استعانت از این مدل انتزاعی، روابط نسبی و همزمانی را میتوان بصورت تعبیری از اصل وحدت در کثرت دیانت بهایی تلقی نمود. مضافاً، نشان داده میشود که دوگانگی دیرینه محافظه کاری (یا سنت گرایی) و ترقی خواهی تناقضی در این مدل ایجاد نمیکند. بالعکس، نشان داده میشود که برای گذر کردن از ریشه تا برگهای این مدل سلسله مراتبی، این دو لازمه و تغییر تدریجی الگوی بررسی هستند. همچنین نشان داده میشود که کنه یک اندیشه و یا یک اصل بنیادین را هر س نمودن زوائد نالازم و عملی مشخص نمود، و دیگر اینکه قوانین و ارزشهای اخلاقی واقعی نسبی نیستند ولی کار برد آنها نسبیست. جنبه مهم دیگر رابطه نسبت اینست که تعصبات و تقالید کور کورانه در مورد اینکه "چگونه کار ها را باید انجام داد" اغلب زائیده اشتباه در مورد سطحی در درخت نوع هستند که آن کار بدان تعلق دارد.

نشان داده میشود که اصولی که حضرت بها الله نازل فرموده اند اصولی بنیادین هستند واقع در ریشه درخت نوع و در حالی که در کار برد آنها تنوع موجود است، آنها ذاتاً حقایقی پایا و تغییر ناپذیرند. بدین ترتیب، استدلال می‌گردد که پایبندی به اصول ارتباطی با کهنه پرستی و یا تجدد؛ و محافظه کاری و پیشروی ندارد زیرا اصول منزه از زمانند. نتیجه گیری اصلی اینست که بهاییان باید با فکر و آغوش باز

به عملی کردن اصول مختلفه نظر نمایند، در حالی که همزمان بر اصول بنیادینی که توسط حضرت بها الله پایه گذاری گشته اند ثابت و راسخ باشند، و مطمئن باشند که با ثبوت خود بر اصول از نظر مد مرتکب خطایی نشده اند.

آمریکای عبدالبهاء

نگاهی به جو اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سال ۱۹۱۲ میلادی

رامین نشاطی

حضرت عبدالبهاء (۱۸۴۴-۱۹۲۱) فرزند ذکور ارشد و جانشین برگزیده بانی دیانت بهائی، حضرت بهاءالله، بود که در سال ۱۹۱۲ به شمال آمریکا سفر نمود. در برخوردی عقبنگرانه بسیاری از ناظرین این سفر را نقطه عطفی در تثبیت و توسعه جامعه نوپای بهائی در شمال آمریکا قلمداد کرده اند. کشتی سدريك با حضور حضرت عبدالبهاء سفر را در تاریخ ۲۵ مارس از انگلستان آغاز نموده و در ۱۱ آوریل در نیویورک لنگر انداخت. در تاریخ ۵ دسامبر وی دوباره سوار کشتی شده آن شهر را به مقصد انگلستان و دیگر نقاط اروپا ترک نمود تا نهایتاً به بلاد خود در فلسطین بازگشت. سال جاری سده این سفر تاریخی را رقم می زند. سالی که در آن عبدالبهاء از بسیاری از شهرهای ایالات متحده و کانادا دیدن نمود منجمله: نیویورک، واشنگتن دی سی، بوستن، شیکاگو، مونترآل، سانفرانسیسکو، لس آنجلس الخ. بسیاری از اوقات خویش را به پذیرایی از بازدیدکنندگان و میهمانان و سخنرانی در کلیساها، کنیسه ها، عبادتگاه ها، منازل شخصی و سالن های عمومی اختصاص داد. با بسیاری از اشخاص اعم از دوست و دشمن و متفکرین مترقی تا شخصیت های سرشناس و مشهور ملاقات نموده و زمینه ای فراهم کرد تا علمای دینی، فعالین بهائی، کنشگران اجتماعی، گزارشگران و دیگر کسان با انگیزه کنجاوی این «پیغمبر» کاریزماتیک شرقی و «پیام آور صلح» را از نزدیک نظاره کنند.

چه علل و عواملی حضرت عبدالبهاء را يك قرن پیش به کرانه های دوردست این سرزمین کشاند؟ پیام او چه بود و چگونه مؤثر افتاد و سپس در رسانه های عرفی و عمده آمریکا به چه نحوی منعکس شد؟ از این مهمتر، شاکله های ذهنی و جنبش های حاکم در فضای شمال آمریکا در آن زمان کدامها بودند؟ آمریکاییان چه برداشتی از فراخوان های دستجمعی و فریضه سرنوشت منحصر بفرد خود داشته و پیامی که آن حضرت با خود به ارمغان آورد تا چه حد با اهداف ملی آنان همساز و همخوان بود؟ «روحیه زمانه» به چه نحوی فضای اجتماعی-فرهنگی، دینی، سیاسی و اقتصادی آمریکاییان را در سده گذشته شکل داده بود و متقابلاً حضرت عبدالبهاء در سفرهای خود چگونه با این جریانات تعامل نموده و به آنها پاسخ داده اند و یا در شکلگیری آنها سهمی داشته اند؟

در این مبحث با دیدی گذشته نگر شرایط حاکم در شمال آمریکا در زمان سفر حضرت عبدالبهاء را بررسی میکنیم و به عوامل مؤثر درون خیز و بیرون خیز در شکلگیری افکار، برخورد و رفتار آمریکاییان در خصوص اخلاق و معنویت می پردازیم. با نگرش به سفر ایشانوی در این چارچوب می توان برداشت

ژرفتری از طنین‌اندازی و تأثیر حضرت عبدالبهاء در جامعه آمریکا بدست آورد، فراتر از جرقه‌ای که حضور شخصیت جذاب و فرهمند ایشان در میان جمع کوچکی از مؤمنین به دین نوظهور ایجاد کرده بود

مفهوم تداوم ظهورات الهی در افکار و اشعار حافظ و مولوی

فارس هدایتی

اشعار شعرای کلاسیک فارسی زبان همچون حافظ و مولانا تأثیری بس ژرف بر فرهنگ و افکار ایرانیان داشته و دارد. چه بسیار از مردمان از طبقات مختلف و اندیشه‌های متفاوت و چه بسا مخالف، این اشعار را زبان حال خود می‌بینند و انس و علاقه‌ای خاص بدان دارند. اگر چه قرن‌ها از سرودن آن اشعار می‌گذرد ولی همچنان طراوت و تازگی خود را حفظ کرده‌اند. مهمتر از همه اینکه بسیار دیده شده است که طلعات مقدسه بهائی برای تفهیم مفاهیم روحانی امر بدیع از اشعار حافظ و مولانا مثال آورده‌اند. این مسئله براسستی گواه قدر و منزلت این اشعار است. در این مقاله علاوه بر بررسی بشارات ظهور در این اشعار به بررسی مفاهیمی در این اشعار می‌پردازیم که با برداشت سنتی روحانیون از اسلام در تضاد هستند و با مفاهیم امر جدید بهایی کمال همخوانی را دارا می‌باشند. از مهمترین این مفاهیم تداوم فیض الهی و عدم خاتمیت ادیان و استمرار ظهورات الهیست.

حضرت عبدالبهاء و نهضت مشروطه ایران

مروری بر آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

مینا یزدانی

جمال اقدس ابھی در کتاب مستطاب اقدس انقلاب امور در طهران و حکومت جمهور ناس در آن شهر را از پیش اخبار فرموده بودند: "سوف تنقلب فیک الامور و یحکم علیک جمهور الناس." در لوح ملکه ویکتوریا نیز اقدام آن تاجدار را در نهادن زمام مشورت به دست مردم تحسین می‌فرمایند. حضرت عبدالبهاء نیز از طرفی "انقلاب ارض طاء" در عهد میثاق را که همانا جنبش مشروطه باشد، تحقق انقلاب مصرح از قلم اعلی تبیین فرموده‌اند، و از طرف دیگر خود احتمالاً اولین نفسی در میان ایرانیان هستند که در رساله مدنیّه پیشنهاد انتخاب اعضاء مجالس توسط جمهور ناس را بیان می‌فرمایند. با همه این سابقه دفاع از مشروطیت، زمانی که جنبش مشروطه خواهی در ایران آغاز گشت، حضرت عبدالبهاء

احبای الهی را از شرکت در تلاطمات و اعتراضات مربوطه برحذر داشتند. این سخنرانی با تحقیق و تتبع در آثار والواح حضرت عبدالبهاء به بررسی دیدگاه های حضرتش در این باره می پردازد و از این نظریه دفاع می کند که آنچه هیکل مبارک توصیه می فرمودند، نه بی تفاوتی و "بی وطنی" چنانکه دشمنان امرتهمت زده اند، بلکه مشارکتی صمیمانه در امور مملکت، و سعی در بهبود روابط دولت و ملت بر اساس روش های مصرّحه در آثار مبارکه حضرت بهاءالله و هدایات کلیّه حضرتش بوده است. در بطن جهت گیری هیکل مبارک، حفظ استقلال کشور ایران، و جلوگیری از دخالت دول متجاوز به نحو خاص مورد نظر بوده است. به علاوه، هیکل مبارک نوعی از آمادگی اجتماعی راجعت حصول مشروطه واقعی لازم می دیدند، که می بایست در ایران حاصل می گشت.